

عطف

دراهمیت ویرایش

● کتاب «ویرایش از زبان ویراستاران: آنچه نویسندگان باید درباره کار ویراستاران بدانند»، شامل ۳۸ مقاله به قلم ۳۸ ویراستار باتجربه در دو بخش نظری و عملی درباره کار ویرایش است. بخش نظری از ۹ مقاله و بخش عملی از ۲۹ مقاله تشکیل شده است. از جمله موضوع‌های مقالات می‌توان به مواردی مانند سیر تحول ویرایش در آمریکا، کتاب‌ها چگونه انتخاب می‌شوند، عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری ویراستار، سه شیوه در ویرایش آثار، محققان برای سه نوع مخاطب، نقش دستیار ویراستار، ویرایش کتاب‌های مرجع، ویراستار فنی و نویسنده، ویرایش برای بازار کتاب مسیحیان و کارکردن با ویراستار قراردادی یا پزشک کتاب اشاره کرد.

مجموعه ۳۸ مقاله این کتاب، به قلم ویراستاران باتجربه آمریکایی است که هرکدام از این ویراستاران در این کتاب، نگاه تخصصی خودشان به ویرایش را مطرح کرده‌اند.گردآورنده این کتاب جرالد گراس، یکی از ویراستاران صاحب‌نام آمریکاست که از نوجوانی و با میل خودش وارد حرفه ویراستاری شد. این کتاب تا به امروز در سه ویراست در سال‌های ۱۹۶۲، ۱۹۸۵ و ۱۹۹۳ منتشر شده است. در ویراست سوم که به فارسی ترجمه شده، تنها پنج مقاله از ویراست‌های قبلی وجود دارد و سایر مقالات، مقاله‌های جدیدی هستند که برای این ویراست نوشته شده‌اند. در این اثر مراحل مختلف آماده‌سازی و نشر کتاب، از شکل‌گرفتن فکرش تا ویرایش ساختاری، محتوایی، زبانی، فنی، چاپ، توزیع و بازاریابی کتاب مطرح می‌شود. رابطه ویراستار با جامعه و رابطه ویراستار با مؤلف از مهم‌ترین مسائلی است که نویسندگان مقالات به آن توجه کرده‌اند.

در این کتاب با مجموعه مقالاتی مواجه هستیم که به‌صورت داستانی نوشته شده‌اند. سرشت نویسندگی تنهایی را می‌طلبد تا نویسنده بتواند کارش را انجام دهد، اما ویراستاری برخلاف نویسندگی یک کار گروهی است و ویراستار باید ارتباط نزدیکی با نویسنده، ناشر و سایر افراد داشته باشد. بنابراین این کتاب هم به‌صورت گروهی نوشته شده است. این کتاب گنجینه‌ای از تجربه‌هاست و به‌همین دلیل کتاب بسیار پراهمیتی است. این کتاب می‌تواند به‌عنوان یک اثر ادبی در جامعه استفاده شود و همچنین می‌تواند الگویی برای مقاله‌نوشتن باشد. ما در جغرافیای نشر خود به چنین کتاب‌هایی نیاز داریم تا متوجه شویم که چه تفاوتی میان ما و سایر کشورها وجود دارد.

ایین کتاب سبک ویرایش آمریکایی است که آثار برجسته بسیاری براساس آن منتشر شده‌اند، اما باید توجه داشته باشیم که این دلیل محکمی برای استفاده هکمانی نیست و خیلی از سبک‌های ویراستاری در آمریکا هم از شیوه مورد اشاره در این کتاب تبعیت نمی‌کند.

با مطالعه این کتاب درمی‌یابیم که در کشورهایی مثل آمریکا، ویراستار دغدغه بازار هم دارد، چراکه می‌داند فرهنگ و اقتصاد در تقاطعی به هم می‌رسند،

ویرایش از زبان ویراستاران آمریکایی گروه مترجمان نشر کتاب مهتاز

بنابراین ویراستار باید همراه با ناشر حرکت کند.

«ویرایش از زبان ویراستاران: آنچه نویسندگان باید درباره کار ویراستاران بدانند» را نشر کتاب مهتاز با ترجمه رزا اختری، مژده دقیقی، مژگان عبد‌اللهی، محی‌الدین غفرانی، احمد کسائی‌پور و پیش‌گفتاری از عبدالحسین‌آذرنگ منتشر کرده است. این کتاب همچنین در بیست‌ونهمین دوره کتاب سال، شایسته تقدیر شناخته شده و همچنین برنده کتاب فصل شده است. «ویرایش از زبان ویراستاران» را می‌توان به نوعی دایره‌المعارف ویرایش دانست که با تفصیل به پیچیدگی‌ها و مسائل مختلف مربوط به ویرایش پرداخته است. مهم‌ت‌اب این کتاب شامل مقاله‌هایی نظری است که در آنها بیشتر به نقش ویراستار و تغییرات آن در گذر زمان پرداخته شده است. ویلیامز، نویسنده مقاله «ویراستار کیست؟» سه مؤلفه اصلی این نقش را شناسایی و انتخاب کتاب، ویرایش کتاب و دفاع از حقوق نویسنده و مؤسسه نشر در برابر یکدیگر می‌داند و جزئیات این مؤلفه‌ها را فهرست‌وار برمی‌شمارد. در مقالات بعدی به موضوعاتی مثل شباهت‌ها و تفاوت‌های ویرایش در اکنون و گذشته پرداخته شده است. بخش دوم کتاب که بخش عمده آن هم هست، به‌کردش ویرایش و جزئیات هر مرحله از آن اختصاص دارد. تعدادی از مقالات این بخش که از مقالات مهم‌ت‌اب به شمار می‌روند، ابجدی از ویرایش محتوایی، زبانی و فنی را بررسی می‌کنند. نکته دیگری که از این کتاب می‌توان آموخت انبوه نکاتی است که به ویراستاران می‌آموزد که با آثار مختلف چه کنند و چه رویه‌ای را با پدیدآورندگان در پیش بگیرند. «ویرایش از زبان ویراستاران» ما را با تجربه‌های ویراستارانی آشنا می‌کند که سعی کرده‌اند براساس هنجارها و معیارهایی جهانی کار کنند؛ برای مثال در این کتاب به ویراستاران خلاق آموزش داده می‌شود که چگونه مهارت‌ها و تجربه‌ها را در خدمت اثر به کار بگیرند و در اعتلای متن بکوشند. با همان لحن نویسنده ویرایش کنند، با اندیشه او ببینیشند و سعی کند به دیدگاه‌های او دست یابند و از منظر این دیدگاه‌ها به اثر نگاه کنند.

ادبیات

واکاوی مجموعه شعر «بی‌زبانی» اثر سعید محمدحسنی

پاره‌روایت‌های تعارضی–تقابلی

سریا داودی حموله*



«در کوچه‌های فارسی/ گمان این‌گونه می‌گوید/ این جرئت است/ که از دست می‌تابد بر کلمات/ صبح با شرم عمومی‌اش/ از خیابان متواری است/ بر ایوان الوان دکه‌ها حروف روزنامه از دالان حسرت می‌گذرند/ و مه‌آلود تکتیر می‌شود!» (شعر اول ماه مه‌آلود، در کوچه‌های فارسی).

ذهن و زبان شاعر در خدمت آشنایی‌زدایی معنایی و لفظی است. نگاهش به جهان و هستی برگرفته از ذهنیت انتقادی است. تلاش شاعر برای رجاعات بیرونی (ایژه‌ها) در این جهان برای جانم/ نمانده باشد» (شعر کودکی۱).

روایت شعر «کودکی۲» چندبعدی است، از نظر

فضاپردازی به موقعیت مکانی و زمانی و روابط

انسانی اشاره دارد. از موضوع‌های مشخصی نظیر

مرگ، طبیعت، انسان، عشق و نوستالژیا، اعتراض و

عصیان برخوردار است.

ذهن و زبان مخاطب سازگاری دارد. تصاویر روایی مبنی بر آشنایی‌زدایی‌های معنایی و لفظی است. گرایش به ضروایت، استعاره‌های چندوجهی و رویکردی بدبینانه جزو ساختار اصلی و تنه شعر به شمار می‌رود. در این فراز ضماین «ما، من، او» در ارتباط با اشاره‌های مختلط اجتماعی و انتقادی است. «تو» دلخواه می‌تواند هر کجای جسم جان قرار بگیرد. ارتباط کلامی بین تصویر نخست (جا به حقه دادن)، تصویر دوم (جا به دهلیز دادن)،

تصویر سوم (جا به جوانی دادن) و تصویر چهارم (جا به جهان دادن) مشابهت‌های مفهومی به وجود آورده است. تولد و زندگی اشاره به چهار مرحله کودکی، نوجوانی، جوانی، پیرسالی دارد. همچنان که اندام‌های حیاتی انسان نظیر (جان، حلقه، دهلیز، مویبرگ) نوعی تقارن بین دنیای بیرون (طبیعت) و دنیای درون (انسان) است.

تکرار و آلتراسیون حروف سبب هارمونی و

موسیقی شده است. واج‌آرایی در حروف (ج، الف، م) اشاره‌های مختلفی را دربر می‌گیرد. حرف جیم ۱۱ دفعه، حرف الف ۲۱ دفعه، و حرف میم ۱۷ بار تکرار شده است. ترکیب به وجود آمده «جام» است، که اشاره ضمنی به جام جهان‌نمای جمشید و آغاز جهان دارد. و با توجه به نام شعر به معصومیتی از دست رفته اشاره دارد. به لحاظ

ساختار و فرم درونی، و ساختار و فرم بیرونی اشاره به یکدستی و یکرنگی آفرینش هم دارد.

بازی‌های زبانی در واژه «جا» هفت دفعه محور حرکت سطرها قرار گرفته است. «جا» در اینجا

یک کاراکتر است که به انواع مختلف تکرار شده است. در برخی واژه‌ها نظیر (جا و کجا، جا و جان)، (جا و جوان) و (جا و جهان)

مشابهت‌های ساختاری و معنایی ایجاد کرده است؛ «تو را در درک جای جانم جا داده‌ام…/ جا به جوانی‌ام می‌دهم…/ جایی در این جهان برای جانم مانده باشد».

توجه به مضامین «انسان‌گرایی، وطن‌خواهی، طبیعت‌گرایی» جان جهان را پیریزی می‌کند. چرایی

جان در وجود جهان متبلور می‌شود. جان و جان نشانه حیات و رستگاری،

جا و نگاه پدیدارشناسانه به حقیقت، جا و گذشته به سمت آینده حرکت می‌کند و زبان در بستر تاریخی و اجتماعی به تصویر کشیده می‌شود:

– «اردنگ شاه صفوی از گم‌برون بر کفل کشتی‌های پرتقالی بود/ که بندر به نامش ردم: بندرعباس» (شعر دریای دوم/ تاریخ جغرافی).

در مجموعه «بی‌زبانی» از تئوری‌هایی که تاکید بر «زبانیت» دارند، فضای پیچیده‌ای به وجود آمده است. همنشین کردن واژگان ناهمگون در جهت جسارت‌های کلامی است.

زبان در شعر یک کاراکتر ذهنی است. بعضی ایژه‌ها پتانسیل قدرتمندی بازی می‌کنند، آن‌چنان که در فضای غیرساخت‌مند زبان ساختاری را هدف گرفته‌اند.

تصویر می‌کشد، به طوری که افعال در تقابل هم قرار می‌گیرند. رویکرد دنیای بیرون (محمره و عبادان، خرمشهر و آبادان، کوچه و کوی، بنر و بیلورد) و دنیای درون (وضعیت درونی بچه‌های جنوب) است. این سوگواره‌های حسی– مفهومی بازتاب واقعیت‌های اجتماعی است: «بچه‌های جنوب مانده‌اند/ مانده‌اند با این همه جنوب چه کنند».

شاعر با تلفیق سطرهای همگون و غیرهمگون به سمت آشنایی‌زدایی‌های لفظی می‌رود و از لایه‌های تودرتوی معنایی می‌گذرد، و به واسطه مونولوگ‌های تناقضی، زبان روایی را مبنا قرار می‌دهد. به واسطه برجستگی معنایی زبان فرمیک را به چالش کشانده است. درصدد است تا تعریفی تازه از کلمات ارائه دهد. علاوه بر

بافتار معنایی به ساختار فرمی هم توجه دارد در موقعیت‌های متعارف و با ترکیب‌سازی‌های بدیع، ساختار زبان را به مرز تأویل نزدیک می‌کند. ایماژهای تناقضی و تقارنی سبب مضمون‌آفرینی می‌شود. وحدت ارگانیکی به خاطر بار عاطفی تبیده در آن است. گاهی سطری شامل لایه‌های توضیحی، جملات قصار و پارودی است: «بر طبق آخرین سرشماری فنی سنه ۲۵۵۵ شامنشاهی/ ۳۶ میلیون نفر/ ساکن یک شهر که سابق بر این خرم بود حالا محمره!…/ و بر طبق آخرین سرشماری در حول و حوش سال ۱۳۹۰ هجری خورشیدی/ بیش از ۸۰ میلیون نفوس خرمشهر را ترک گفته‌اند/ و پناه را به شهرهای خودشان برده‌اند!».

شعر سرشار از تک‌گویی‌های روایی است. به مرور روایت به ضروایت و شگرد به ضدشگرد بدل می‌شود. به طوری که زبان منعطف بر عصیانگری استوار شده است. روایت اول (۳۶ میلیون نفر) اشاره به سرشماری دهه پنجاه و روایت دوم (۸۰ میلیون) اشاره به سرشماری دهه نود دارد.

راوی/ شاعر با ضریاهنگ آرام در عین حال تأثیرگذار فضا را تصویر می‌کند و رویکرد متفاوتی به زمان و مکان دارد. با اشاره دور و نزدیک اساس روایت را در حالت تعلیق قرار می‌دهد. زمان‌ها در محوریت تقابل و تضاد هستند. این گشف و شهود محدود به زمان و مکان است. آوردن دو نام‌گذاری متفاوت برای دیروز و امروز (محمره و خرمشهر) و (عبادان و آبادان) اشاره به دو برهه زمانی دارد. ذهنیت کل‌نگری دیروز و عینیت‌مندی و جزئی‌نگری امروز از موارد دیگر ساختار روایی است. آخر شعر اشاره به روزمرگی‌های بچه‌های جنوب دارد و کاملاً انتقادی و اعتراضی است: «فراموش نکنید؛ بچه‌های جنوب شکستی‌اند/ و حتی مصرفی/ و کماکان در اوج، مثل مصرف شیشه در آبادان».

رویکردهای معترضانه و انتقادی متضمن واقعیت‌های اجتماعی بعد از جنگ است. شاعر در پی تاریخ‌سازی نیست، اما به جغرافیای جنوب از جهت‌های مختلف نگاه دارد. خرمشهر امروز را جزیره متفرقی می‌داند که از هر کجای آن سخن بگوید، حدیثی تکراری است.

در کلیت زبان ساختاری در سه محور ایجاز‌مندی، استعاره‌گری و تقابل‌های متناقض بازنمود دارد. همچنان که پلان‌های تصویری، تک‌گویی بین دو فضای عینیت و ذهنیت ارتباط منطقی برقرار می‌کند. برخی سطرها در چارچوب مونولوگ‌های انتقادی در محور نوستالژیک باقی می‌ماند و لطافت و ظرافت‌های مفهوم‌گرایی بر پایه‌های تعارض استوار است.

پی‌نوشته‌ها:

۱– بی‌زبانی، سعید محمدحسنی، نشر نگاه، چاپ

اول ۱۳۹۷

۲– پاکوبسن معتقد است: «استعاره رابطه‌ای نظام‌مند با متن دارد».

۳– گفته رابرت فراست: «شهر نوعی اجرا به وسیله کلمات است».

شاعر، منتقد و پژوهشگر فرهنگ مردم

شیرازه

در شب تاریخ

● **شرق**: در میان شاعران و نویسندگان عصر کلاسیک آلکان، فریدریش هلدلین چهره‌ای درخشان است که در سال ۱۷۷۰ در شهر کوچک لائوفن، نزدیک شهر اشتوتگارت به دنیا آمد. هلدلین در دورانی پرآشوب زندگی می‌کرد و اندیشه و هنرش هم در بستر آشوب‌ها و تلاطم‌های تاریخی عصرش شکل گرفته است. غالب اشعار هلدلین و نیز تنها رمانش، «هیپیرون» یا «گوشه‌نشین یونان»، تحت‌تأثیر آرمان‌های عصر روشنگری و انقلاب فرانسه نوشته شده‌اند. در دوران هلدلین جنگ‌های ناپلئونی، استعمار انگلیسی و برده‌فروشی سویه‌های منفی رشد سرمایه‌داری را نمایان می‌کرد و هلدلین نیز مانند بسیاری دیگر از هم‌عصرانش از منتقدان این وضعیت بود. به اعتقاد هلدلین جامعیت و وحدت انسانی را تنها در مدنیت یونان عتیق می‌توان یافت. برای هلدلین یونان باستان جایی است که انسان و طبیعت به وحدت می‌رسند و ازاین‌رو است که در آثار او یونان باستان حضوری پررنگ دارد. محمود حدادی که در سال‌های اخیر آثار متعددی غالباً از ادبیات کلاسیک آلمانی‌زبان به فارسی برگردانده، به تازگی دفتر تازه‌ای از اشعار او را به چاپ رسانده است. حدادی پیش از این سه کتاب از هلدلین و درباره او به فارسی برگردانده بود که یکی از آنها تنها رمان این شاعر، «هیپیرون» است که در ترجمه فارسی‌اش با عنوان «گوشه‌نشین یونان» منتشر شده است. «هیپیرون» رمانی آشکارا فلسفی است که درعین‌حال آن را شاعرانه‌ترین رمان آلمانی نیز نامیده‌اند. این رمان همانند «نج‌های ووتر جوان» گونه مجموعه‌ای از نامه‌ها است. نامه‌هایی از جوانی یونانی با نام هیپیرون خطاب به دوست آلمانی‌اش، بلارمین، که البته همگی بی‌پاسخ‌اند. «هیپیرون» سرشار از آرمان‌ها و ایده‌هایی در ستایش یونان عهد عتیق است و همچنین در ستایش از طبیعت و آزادی و فردیت برآمده از انقلاب فرانسه. هلدلین در نوشتن این رمان از گوته تأثیر گرفته و البته سرمشق اولیه او نامه‌های فلسفی شیلر، «در باب تربیت زیبایی‌شناسی انسان»، بوده است. در این کتاب در سال ۱۳۹۱ به فارسی منتشر شد. پس از آن در سال ۱۳۹۳ گزیده‌ای از اشعار هلدلرین با عنوان «آنچه می‌ماند» با ترجمه حدادی به چاپ رسید. در این مجموعه سی شعر از هلدلین ترجمه شده و همراه با هر شعر تفسیری هم پیوست شده است. تفسیرهایی که توسط نویسندگان مختلفی نوشته شده‌اند. یک‌سال پس از انتشار «آنچه می‌ماند»، حدادی شرح زندگی هلدلین به قلم اشتفان سوابگ را با عنوان «بیکار با دیو» منتشر کرد. «سکونت شاعرانه» تازه‌ترین ترجمه حدادی از هلدلین است؛ کتابی شامل بیست‌وچهار شعر که به سیاق مجموعه قبلی بر هر یک از این اشعار شرحی هم آمده است. جز این دو مقاله از هانس گئورگ کادامر و گوست بوک در تفسیر سیاق سربانیدگی هلدلرین نیز در ابتدای کتاب آورده شده است. در میان شعرهایی که در این مجموعه انتخاب و ترجمه شده‌اند، یکی از مشهورترین شعرهای دوران جنون هلدلین یعنی



قطعه «در آبی دلپذیر» نیز دیده می‌شود. همچنین در این کتاب تحریر سوم هلدلین از تنها نمایش‌نامه‌اش، «مرگ امپدوکلس» نیز ضمیمه شده است.

مقاله‌ای که از کادامر در ابتدای این مجموعه ترجمه شده، «هلدرلین و تازگی کلام» نام دارد و کادامر در این مقاله به شیوه خاص هلدلین در سرایش شعر و جایگاه او در میان شاعران آلمانی‌زبان پرداخته است. در بخشی از این مقاله کادامر این پرسش را مطرح می‌کند که «چه چیز هلدلین را همه‌جا شاعر قرن می‌سازد؟» و در پاسخ به این پرسش می‌نویسد: «اگر من این پرسش را مطرح می‌کنم، شاید مجاز باشم بگویم در شعر هلدلرین رازی از سابق هست؛ نهفته است، چیزی که می‌توانیم آن را رنج جستن از پی لحن و شیوه بیان بنامیم. هیچ‌یک از شاعران بزرگ ما چنین پیوسته، حتی با چنین لکنتی، از بی شیوه نوی بیان نجسته و هرباره ناامیدانه این مست‌و‌جور را از سر نو تافته‌اند. هیچ‌یک از همه دیگر شاعران ما به اندازه او – و تا این اندازه – در غلبه تائوانی و امکان‌ناپذیری بیان مقصودی نبود که در ذهنش می‌چرخید. شاید همین نکته است که در کلام این شاعر بر جان ما، نیز بر روح دوران پس از جنگ جهانی اول، دورانی که مقدر بود با شکست جمهوری وایمار و پیدایش نازیسم، برای آلمان یابانی تا این اندازه به نفرین بیاید، چنین عمیق اثر می‌گذارد. زیرا در آن دوران، دیگر رشته‌های هنری هم بیش از این نمی‌توانستند از سیاق تکراری گذشته‌گان پیروی کنند. بلکه در یک جست‌وجوی فشرده و اوج‌گیر پیوسته قالب‌هایی نو می‌پرداختند و در شوق یافتن بیانی شخصی و شیوه‌هایی نو، پیوسته به راه آزمون می‌رفتند. یک دلیل این نوجویی شاید این باشد که ما دیری پیش از آن‌که دستگاه سیاسی نازی‌ها استقلال از هلدلین را امری ابزاری کند و به شعرش مفهومی مشکوک بدهد، همگی هلدلین می‌خواندیم. دربراه‌اش اندیشه می‌کردیم و او را نمادی می‌دانستیم که بسی فراتر از شاعران دوران دور کلاسیک با ما نزدیک کرده است.» ترجمه این گزیده شعر به نسبت دوست‌و‌نوجاهمین زادسال هلدلین در سال ۲۰۲۰ انجام گرفته است.